



چند کلامی از اهمیت دانشگاه فرهنگیان از نگاه رهبری

ضرورت آموزش مجازی و تامین زیرساخت های آن در دولت جدید

نگاهی به دارالفنون امیر کبیر



چند کلامی از اهمیت دانشگاه فرهنگیان از نگاه رهبری

اساسی ترین و بنیادی ترین کار در جامعه ما، کار فرهنگیان است؛ زیرا آموزش و پرورش کامل، آموزش عالی کامل را به دنبال خواهد داشت و این هر دو، نظام اداری و تشکیلاتی و حکومتی کامل و حد عالی مطلوب را ایجاد خواهد کرد. بنابراین، پایه و اساس صلاح ملت و دولت و کشور، به دست فرهنگیان پایه گذاری می شود.

معلم محور حرکت جامعه هست ●

محیط جامعه، باید محیط آموزش، یادگرفتن و یاد دادن باشد. البته در کنار آموزش، پرورش و تربیت، تهذیب اخلاقی و تزکیه است. اگر ما آموزش را درست انجام دهیم، تزکیه هم در خلال آن هست. اینجاست که معلمین باید بفهمند نقششان چیست. در جامعه ای که بر محور آموزش می چرخد، معلم کجاست؟ مرکز آن دایره و محور آن حرکت. در هر کلاسی که هستید، در هر محیطی که هستید، اگر در دانشگاه هستید و طرف حساب شما دانشجویان دوره های عالی هستند، یا در دبیرستان، یا حتی در دبستان هستید، این مهم است. یا در

کودکستان یا اگر در حوزه هستید، درمحیط تعلیم و تربیت جدید هستید؛ هرجا هستید، معلم محور حرکت جامعه است؛ معلم معیار کار درست در جامعه است و باید یاد بدهد. این مهم است. این مهم است که یک نفر چنین نقش برجسته و بارزی در اداره کشور و پیشرفت دنیای محیط خود ایفا کند.

این موارد مختصر کلامی از نگاه رهبری بود ●

آیا برای اساسی ترین و بنیادی ترین کار در جامعه و محور حرکت جامعه که معلمی است باید به صورت برف انباری و خارج از مرکز تخصصی خود اقدام شود؟! جواب کاملاً روشن است. با توجه به اهمیت و لزوم حتمی وجود دانشگاه فرهنگیان که مرکز ثقل اصلی نظام آموزش و پرورش کشور است یکی از اقدامات مهم برای آن در آینده توسعه کمی و کیفی آن است

و سلام علیکم ورحمت الله و برکات (1)

نگاهی به دارالفنون امیر کبیر

مدتها بود که ایران، درگیر جنگ داخلی و یا جاه طلبی حاکمان شده بود و از پیشرفت علمی بازمانده، دست نیاز به سمت خارجیانی می گشود. تقریباً از زمان سقوط سلسله ی صفویه تا زمان امیرکبیر، به جز چند سال حکومت کریم خان زند، تلاشی در جهت کارهای فرهنگی و علمی انجام نشده بود. و کشور با یک عقب ماندگی بزرگ روبرو بود. امیر کبیر، با درک موضوع و نظر به تجارب خود که حاصل اقامت در عثمانی و سفر به روسیه ی تزاری بود، سعی کرد در راس اصلاحات خود، مسئله ی آموزش و تربیت نیرو را نیز در نظر بگیرد و در این جهت گامهایی بردارد. دارالفنون حاصل همین طرز فکر او بود. این موسسه ی آموزشی، که اولین موسسه ی دولتی ایرانی برای آموزش علوم مدرن بود، ابتدائاً با تمرکز بر علوم نظامی و کمی هم طب و ... شروع به کار کرد و در برنامه های خود قصد تبدیل شدن به یک مرکز آموزش عالی را نیز داشت. از این رو، امیرکبیر با استخدام معلمان از اتریش که همین مسئله ی استخدام معلم اتریشی نیز داستان مفصلی دارد، کار را شروع کرد. اما امیر کبیر مدت کوتاهی بعد از تأسیس دارالفنون به قتل رسید و نتوانست برون دکاری مدرسه نظارت داشته باشد و چه بسا آن چیزی که مد نظر او بود به خوبی انجام نگرفت. اگر بخواهیم قضاوت عادلانه و منصفانه ای داشته باشیم، باید این را بگوییم که دارالفنون علی رغم تمام مشکلات و نتایج بدی که در پی داشت، اما تلاشی قابل ستایش در جهت جبران مافات و کاستی های کشور بود و از این رو قابل تقدیر است.

هر تلاشی در اول کار، ناپختگی های فراوانی دارد و از این جهت نمی توان گفت کسی که پیش قدم برای انجام یک کار شده، در صورت اشتباه باید برکنار شود و یا مورد تادیب و ملامت قرار گیرد. اما باید بدانیم که اشکال کار کجا بوده و به قول معروف آسیب شناسی صورت گیرد تا مشکل را بیابیم و آن را رفع کنیم. دارالفنون با هدف وارد کردن علم غربی، به ایران تأسیس شد و دلش می خواست که حرکتی باشد در جهت جبران عقب

ماندگی علمی ایران. ولی این مدرسه حتی آن قدر موفق نبود که در حد یک موسسه ی آموزش عالی نیز تلقی شود. دارالفنون به جای آن که جبران عقب ماندگی کند، نتیجتاً دست به تربیت یک عده نیروی شیفته ی غرب زد که این نیروها، آن چنان از غرب تعریف می کردند که گویا ایران باید سر تا پا اروپایی شود. اولین اشتباه همینجا بود. ما فکر می کردیم که می شود فناوری و علم غربی را گرفت، ولی افراد تحت تعلیم را کاملاً از مرز شیفتگی نسبت به خالق آن علم دور نگه داشت. و این اشتباه را نیز مرتکب شدیم که اندیشیدیم گرفتن علم و فناوری غربی، به معنای جذب کردن فرهنگ غربی نیست.

دارالفنون، تبدیل شد به محلی برای تربیت نیروهای وابسته به غرب که نه حتی تولید علم نمی کردند، بلکه هر روز به باور ما ناتوانیم

بیشترگوش می سپردند.

در طول فعالیت دارالفنون، این موسسه و داشتن مدرک تحصیلی از آن، تبدیل به یک امتیاز بزرگ برای رسیدن به شغل های دولتی شده بود اما ما نتیجه ی فعالیت های آن را که باید تربیت مهندسان، پزشکان و افراد عالِم و دانا به علم روز بود را نمی دیدیم. در عوض تربیت یک گروه خاص، با پندار عالِم بودن را شاهد بودیم که خود را برتر از سایرین می دیدند و صاحب حق تصمیم گیری برای همه، و همچنین طالب و مشتاق به غرب و به نوعی ذوب در فرهنگ غربی.

از آن جهت که تأسیس دارالفنون و مرگ امیرکبیر فاصله ی زمانی کمی دارند، نمی توان تمام تقصیرات را گردن امیرکبیر و یا دارالفنون انداخت. فعل تأسیس چنین موسسه ای کاملاً ضروری بود، اما عملی که در طول فعالیت مدرسه انجام گرفت، هم راستا با هدف اصلی و اولیه ی مدرسه نبود. و از این جهت می توان آن را ناقص پنداشت.

باید گفت که دارالفنون، موسسه ای بود با اهداف عالی و عمل ناکافی و نادرست. ● (2)

دوگانه ها

کرونا بسیاری از دوگانه ها را به ادبیات روزمره ما افزود. بودن ها و نبودن ها، شدن ها و نشدن ها، ممکن ها و غیرممکن ها و... که عموماً مردم و مسئولین نیز به یکی از این دو سمت غش می کردند. واکس بخیریم یا نخریم؟ واکسن بزنیم یا نزنیم؟ کدام واکسن را بزنیم، کدام را نزنیم؟ با گذشت بیش از یک سال مقابله با کرونا و مشاهده کنش های مردم و مسئولین به نظر می رسد دوگانه های واهی کم رنگ و کم رنگ تر می شوند. بنده در جایگاه دانشجو و استاد

به عنوان مرشد و راهنما، هر دو می دانیم این نمرات و درس خواندن های مجازی به درد لای چرز دیوار می خورد. همین و بس. شاید وقت آن رسیده باشد که به جای پرداختن به این دوگانه های بی ارزش، به فکریک انقلاب و تغییر اساسی در آموزش و پرورش باشیم. این را نوشتیم برای هر کدام از نامزدهای انتخاباتی که نامش از صندوق های رأی به عنوان فرد برگزیده بیرون می آید. ● (3)

ضرورت آموزش مجازی و تامین زیر ساخت آن

یکی از اصلی ترین چالش های پیش رو دولت آینده می تواند تقویت زیرساخت های آموزش مجازی در یادگیری دانش آموزان و دانشجویان باشد. زیرا در شیوه ای که در دو سال پیش پشت سر گذاشته شد، شاهد پیشرفت چندان از سوی دانش آموزان و دانشجویان نبودیم و به واضح می دیدیم که اکثر افراد چگونه از درس های خود زده شده بودند و علاقه ای به یادگیری نداشتند که یکی از دلایل آن این بود که کلاس ها از حس نشاطی برخوردار نبود که این خود یک معضل بزرگ محسوب می شود و دولت جدید وظیفه دارد برای این مسئله راه حل را اتخاذ کند.

به عنوان مثال می توان زمینه ای را فراهم کرد که دانش آموزانی که در مناطق محروم حضور دارند و از اینترنت محروم می باشند نیز از وجود اینترنت و استفاده از آموزش مجازی بهره مند شوند.

و همچنین می توان سیستم رابه گونه ای پیش برد که آموزش ها تصویری باشد و تنها به صوتی بودن اکتفا نکند. زیرا که همراه فرد با شنیدن صوت خالی خسته می شود ولی در حضور تصویر فرد مشتاق تر می تواند کار را دنبال کند زیرا که می تواند از راه دور معلم و دوستان خود را مشاهده کند و یا می توان شرایطی فراهم کرد که معلم یا یک استاد با طراحی یک بازی فکری یا پرسش و پاسخ، کلاس را برای دانش آموز یا دانشجو خود جذاب تر کند.

به طور کلی تقویت این زیرساخت آموزش مجازی به یک برنامه ریزی کلی دارد و اگر خواستار یک نظام هوشمند و رشد فرزندان فعال در آینده هستیم باید برنامه ریزی و سرمایه گذاری قوی ای را در زمینه آموزش و پرورش (حتی با وجود بیماری سختی چون کرونا) در نظر بگیریم. هر چند که ایجاد یک طرح جذاب برای یادگیری متربی به سرمایه زیادی نیز نیاز ندارد. (4)



صاحب امتیاز: سیبج دانشجویی دانشگاه پردیس علامه طباطبائی بوشهر
مدیر مسئول: محمد علی صالحی
سرپرست: عرفات قاسمی
هیأت تحریریه:

(1) سید محمد حسینی گشتانه (2) احمد رضا مرادپور

(3) محمد شیروانی (4) مهناز سلوکی

گرافیک و صفحه آرایی: رضا کیانی پور
راه های ارتباطی:

@rasam_bfu